

Digital Currency from the Perspective of the Government's Responsibility towards Public Rights

Saeid Azimzadeh

Department of Public Law, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran
(Corresponding Author) saeid.az041@gmail.com

Ali Hajipour Kondroud

Department of Public Law, Ur.C., Islamic Azad University, Urmia, Iran

Keywords:

Digital Currency,
Government
Responsibility,
Cryptocurrency,
Technology,
Public Rights

Abstract

At first glance, digital currencies seem very complex and ambiguous; but in essence, they have a simple nature that, despite the disadvantages, has affected their advantages in the modern world. Many governments are seeking to develop mechanisms to respond to the growth of digital currencies and are seeking to amend existing laws and regulations or establish new laws in this area. To this end, it is inevitable and perhaps mandatory to understand the existing and potential legal requirements for the optimal use of digital currencies, their contexts, and their related applications. Appropriate, up-to-date, and targeted legislation by the legislature and the formulation of correct regulations by the government through the country's Tax Affairs Organization, the Supreme Cyberspace Council, the Supreme Council for Combating Money Laundering, etc. can play an effective role in reducing the risks of using digital currencies and efficiently benefiting from the opportunities that arise. In this study, an attempt is made to analyze the nature of digital currencies and examine the responsibility of governments in defining laws and regulations to protect public rights.



This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license:
<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

ارز دیجیتال از منظر مسئولیت دولت در قبال حقوق عامه

سعید عظیمزاده

گروه حقوق عمومی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

saeid.az041@gmail.com

علی حاجی پور کندرود

گروه حقوق عمومی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

تاریخ پذیرش: ۲۷ اسفند ماه ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۲۵ دی ماه ۱۴۰۳

چکیده

در نگاه اول ارزهای دیجیتال بسیار پیچیده و مبهم به نظر می‌آیند؛ اما در اصل ماهیت ساده‌ای دارند که علاوه بر وجود معایب، مزیت‌های آن را در دنیای مدرن تحت تأثیر قرار داده است. بسیاری از دولتها در پی تدوین ساز و کارهایی برای پاسخگویی به رشد پولهای دیجیتال بوده و در صدد اصلاح قوانین و مقررات موجود و یا وضع قوانین جدید در این عرصه هستند. برای این منظور شناخت الزامات قانونی موجود و بالقوه برای استفاده مطلوب از ارزهای دیجیتال، زمینه‌ها و اپلیکیشن‌های مربوط به آن اجتناب ناپذیر و شاید الزامی است. قانون گذاری مناسب، بروز و هدفمند از سوی مقنن و تدوین مقررات صحیح توسط دولت از مسیر سازمان امور مالیاتی کشور، شورای عالی فضای مجازی، شورای عالی مبارزه با پولشویی و... میتواند نقش موثر در جهت کاهش مخاطرات استفاده از ارزهای دیجیتال و بهره مندی کارآمد از فرصتهای موجود آمده داشته باشد. در پژوهش حاضر سعی بر این است ضمن تحلیل ماهیت ارزهای دیجیتال، مسئولیت دولتها در تبیین قوانین و مقررات در مسیر حفظ حقوق عامه مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ارز دیجیتال، مسئولیت دولت، رمز ارز، فناوری، حقوق عامه.

ارزهای دیجیتال، نظام پولی و بانکی و فلسفه وجودی آنها را بشدت به چالش کشیده است. این چالشها به این نظام ها محدود نگردیده و دامنه آن تا حدی گسترش یافته که حوزه های دیگر جامعه و علوم مانند اقتصاد، حقوق و سیاست را نیز تحت تأثیر قرار داده و بخش وسیعی از پرسش های ریز و درشت را فرا روی آنها قرار داده است. (محمودی، ۱۳۹۸). رشد سریع دنیای دیجیتال موجب کاهش هزینه های تولید، حمل و نقل و توزیع در مقیاس جهانی شده و مبادلات جهانی را تسهیل نموده است؛ در قدم بعدی برای غلبه بر هزینه های توسعه، حفظ روابط مالی بین نمایندگان در این گستره، پدید آمدن دفترهای توافق توزیع شده در شبکه های نظیر به نظیر، راهی جدید و مطمئن را معرفی نموده که به عنوان فناوری بلاک چین شناخته میشود (روگوچانو و بادا، ۲۰۱۴). به بیان دیگر با پیشرفت تکنولوژی و افزایش استفاده از فضای مجازی، استفاده از ارزهای دیجیتال برای انجام مبادلات، به جای پول کاغذی با حجم بزرگ و حمل مشکل، رواج یافته است. امروزه بخش اعظمی از این نقل و انتقال ها در اقتصاد به صورت دیجیتال و غیر نقدی انجام میشود. اکثر کسب و کارها بر بستر تجارت الکترونیکی بوده و شرکتها، کمپانی ها و سازمانها به دنبال روشهای جدید برای تسهیل در پرداختها و مبادلات خود هستند (مسلمی، ۱۳۹۷). در حال حاضر رمز ارزها توجه بسیاری از سرمایه گذاران، شرکتها و عموم مردم و حتی قانون گذاران را جلب نموده است. ادعاهایی نظیر اینکه بازار این ارزها یک حباب بدون ارزش واقعی بوده و فرار از نظارت مباحثی است که سبب نوسان ارزش آنها شده و مطالبه برای تدوین قوانین نظارتی بر این ارزها را افزایش داده است (گیودچی، مایلن و وینگرادوف، ۲۰۱۹). اقتصاد ایران از گذشته های دور ساختار شکننده ای داشته و مواردی چون نبود زیرساختهای مناسب تولید، حجم پائین سرمایه گذاری خارجی، عدم آمادگی جهت حضور در اقتصاد جهانی، وابستگی زیاد در واردات مواد اولیه، وابستگی به درآمد نفتی، تحریم ها و... موجب تزلزل امنیت اقتصادی و مشکلات فراوان شده است (نادری و مهدوی، ۱۳۹۴).

از دیگر سو وضعیت ایران در شاخصهای اقتصادی و اجتماعی همچون تولید ناخالص داخلی، تورم، رشد اقتصادی، نرخ ارز، بهره وری نیروی کار، نرخ بیکاری، شاخص توسعه انسانی، آمار دسترسی به اینترنت و... چندان مطلوب نیست. همچنین درجه باز بودن اقتصاد، درجه باز بودن مالی، وابستگی به کالای استراتژیک و اساسی نشان از آسیب پذیری اقتصاد ایران در برابر تنش های داخلی و خارجی دارد (عبدی و گیلک حکیم آبادی، ۱۳۹۶). ارزهای دیجیتال یا رمز ارزها افزون بر مزایایی مانند سرعت بالا در مبادلات بین المللی، کنترل تورم، جذب سرمایه های خارجی، کاهش تنش های اقتصادی ناشی از تحریم و... با چالش هایی همچون مشکلات امنیتی، فقهی و... روبرو هستند که از دید حقوقی، سبب عدم قبول این نوع ارزها به عنوان پول قانونی و شانه خالی کردن نهادهای پولی و مالی از نظارت، کارکرد آن را به مثابه پول بدون پشتوانه کرده است. پژوهش حاضر درصدد پاسخ به چرایی لزوم قانونگذاری در این حوزه و مسئولیتهای متوجه دولت از باب حقوق عامه است.

۱) ماهیت ارز دیجیتال

طبق تعریف بانک مرکزی اروپا ارز دیجیتال نوعی پول دیجیتال فاقد مقررات است که عموماً بوسیله توسعه دهندگان آن کنترل میشود و توسط اعضای جوامع مجازی قبول و استفاده میشود. این نوع پول هیچ واسطه یا سرویس دهنده ای جهت نقل و انتقال ندارد؛ چراکه همه چیز بر مبنای ارتباط نظیر به نظیر در نظر گرفته شده است. لذا ماهیت آن به شکلی است که دولتها، بانکها و نهادهای واسطه حاکمیتی نمیتوانند آن را ارزش گذاری کنند و تمام فرآیندها از انتشار تا اعتبار سنجی و داد و ستد بدون هیچ واسطه، نظارت یا دخالت کننده ای صورت میگیرد (میرزا خانی و سعدی، ۱۳۹۷، ۷۲). در یک تعریف بومی از سوی شورای عالی فضای مجازی نیز رمز ارز نوعی پول رقومی (دیجیتال) رمزنگاری شده است که در بستر پایگاه داده اشتراکی به صورت متمرکز (با محوریت بانک مرکزی) یا غیرمتمرکز ایجاد و به صورت غیرمتمرکز مبادله می شود (شورای عالی فضای مجازی، ۱۴۰۳). با توجه به آنچه بیان شد درباره مختصات بارز ارزهای دیجیتال میتوان گفت؛ این ارزها فاقد هرگونه پشتوانه حاکمیتی هستند، هویت دیجیتالی دارند و فاقد وجه فیزیکی اند و صرفاً از طریق توسعه دهندگان و معامله کنندگان آن قیمت گذاری و تبادل میشوند و برخلاف پول های سنتی و حکومتی غیرمتمرکز اند. علاوه در نظام مالی سنتی، بانکها کنترل همه تراکنش ها را با تغییر دفترکل در اختیار دارند، اما در سیستم مدرن ارزهای دیجیتال، اختیار دفترکل با بانک مرکزی نیست، به همین دلیل از ارزهای دیجیتال با عبارت رمز ارز یاد میشود (سبحانی و قائمی نیا، ۱۳۹۷، ۲۴۹).

۱-۱) دیدگاه علمای جهان اسلام درباره ارزهای دیجیتال

علمای شرع درباره رمز ارزها دیدگاههای متفاوتی دارند. گروهی بر این باورند که معاملات ارز دیجیتال حرام و در شریعت ممنوع است. گروه دیگر استفاده از ارزهای دیجیتال را بلا اشکال میدانند. در دیدگاه نخست علمایی مانند مفتی بزرگ مصر، بخش مذهبی دولت ترکیه و مرکز فقهی فلسطین در فتاوی این معاملات را حرام اعلام کرده اند. دلایل این فتاوا نیز تقریباً مشترک است من جمله اینکه: ارز دیجیتال پول رایج و قانونی نیست. صادرکننده آن ناشناس است (که این نظر در ارزهای جدید که منبع نسبتاً مشخصی دارند تعدیل یافته است) زیر نظر دولت مرکزی نیستند و فاقد پشتوانه اند. نوسانات زیادی دارند و پایدار نیستند و به راحتی میتوان برای پولشویی و اهداف غیرقانونی استفاده کرد و ... وقتی یک دولت چیزی را بعنوان پول رایج و قانونی انتخاب میکند، قاعدتاً در بین مردم آن جامعه مورد پذیرش و مقبولیت است. اما برای اینکه یک چیز واجد شرایط پول بودن باشد، ضرورتی در قانونی بودن آن نیست. و اینکه معیار اصلی پول در شریعت، پذیرش آن توسط مردم است حال چه از طریق تحمیل آن به مردم باشد یا از طریق قوانین. یکی از دلایلی که برخی از فقها ارزهای دیجیتال را حرام میدانند، نوسانات بسیار زیاد آنهاست. قیمتها همیشه بر اساس عرضه و تقاضا تغییر میکند، همانطور که در همه داراییهای دیگر مانند طلا، نقره، ارز و ... نیز وجود دارد. پس به دلیل نوسانات نمیتوان ارز دیجیتال را حرام اعلام کرد. اگر این شرط تعیین کننده بود، تجارت طلا و نقره و خصوصاً یورو و دلار نیز غیرشرعی است. برای نمونه، تقریباً دو برابر مقدار طلایی که تاکنون مورد استخراج قرار گرفته، در بازارهای مجازی طلا در یک دوره سه ماه تجارت شده است (روشن، ۱۳۹۸، ۵۲۱). ایراد دیگر آنکه ارزهای دیجیتال از جمله بیت کوین و اتریوم عمدتاً برای پولشویی و اهداف غیرقانونی استفاده می شوند. این ایراد هم مستقیماً ارتباطی با معیار قانونی بودن و اسلامی بودن یک پول ندارد. طبق یک قاعده و اصل کلی، استفاده از یک چیز مشروع برای مقاصد نامشروع، آن را نامشروع نخواهد ساخت. قابل توجه آنکه تمام ارزهای فیات فعلی برای مقاصد غیرقانونی مانند پولشویی، تجارت نامشروع و کلاه برداری مورد استفاده قرار میگیرند. اینکه دلار آمریکا در بین تمام ارزهای دیگر، بیشترین کاربرد را برای پولشویی و مقاصد غیرقانونی دارد، نیز کاملاً واضح است (سلطانی، ۱۳۹۴، ۵۱۲). گروه دوم بر این باورند که ارز دیجیتال در اصل جایز است. یک قاعده قانونی مشهور توسط این فقها ارائه شده است: "الأصل فی المعاملات إباحة". به این مضمون که در معاملات اصل بر صحت است و همه چیز جایز است، مگر اینکه ما آن را کاملاً بر خلاف شریعت بدانیم. دیدگاه مقام رهبری نیز در این مورد جالب توجه است که انجام معاملات آنرا به

مطابقت با قانون موکول میکنند. و این یعنی اینکه تصمیم‌گیری در این موضوع را به مجلس شورای اسلامی از گذر تایید شورای نگهبان واگذار مینمایند. در این باره بانک مرکزی در سال ۱۳۹۸ مصوبه ای دارد که هیأت دولت نیز تبصره‌هایی به آن اضافه کرد؛ با این مضمون که برخی افراد میتوانند با مجوز وزارت صنعت و معدن برای واردات کالا به استخراج رمز ارز بپردازند؛ اما درباره خرید و فروش رمز ارز و یا برای سرمایه‌گذاری، موردی ذکر نگردیده است. در تاریخ سوم بهمن سال ۱۴۰۰، این سؤال نزد رهبری مطرح شد که استخراج، خرید و فروش ارز دیجیتال چه حکمی دارد؟ و جواب ایشان بود که "به طور کلی استخراج ارزهای دیجیتال و معاملات آن تابع قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران است". (پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، مورخ: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳). صدور چنین حکمی دو نکته دارد؛ اول اینکه حکم ممنوعیت درباره آن به چشم نمی‌خورد، چراکه اگر چنین نبود، صریحا حکم به ممنوعیت مبادلات آن داده میشد. مورد دوم اینکه ارجاع یک حکم شرعی به قوانین و مقررات جاری کشور آن هم از سوی رهبری، تکلیفی مهم برای مجلس شورای اسلامی ایجاد میکند که اقدام به وضع قانون کرده تا هم اشخاص و هم نظام اقتصادی خط و مشی کشور را درباره رمز ارزها بدانند (سراج الحق، ۱۴۰۰). بعلاوه چنین اظهار نظری از جانب ولایت فقیه با طی زمان سبب رسمیت و اعتماد عموم به چنین پدیده‌ای خواهد شد. به نظر می‌آید که مقنن میبایست، در این خصوص که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و سیاسی فراوان دارد گامی عملی بردارد؛ و با یک قانونگذاری صحیح، کارشناسی و دقیق، چارچوب مناسب تبیین کند. گرچه به شکل پراکنده مصوباتی در این خصوص وجود دارد که در ادامه اشاره‌ای به آنها نیز خواهیم داشت اما بی شک اهمیت موضوع و اثری که در آینده دارد تا حدی است که با چند مصوبه و آئین‌نامه و دستورالعمل خاتمه نخواهد یافت و باید از رهگذر قانون مصوب مجلس و تأیید شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلح نظام، آنرا انتظام بخشد.

۲-۱) ارز دیجیتال از منظر قضائی

سه دیدگاه کلی در مواجهه با رمز ارزها به چشم می‌خورد؛ در دیدگاه نخست حکومت‌هایی که استفاده از ارزهای دیجیتال صراحتاً ممنوع است. دیدگاه دوم مربوط به حکومت‌هایی است که درباره ارزهای دیجیتال سکوت اختیار کرده‌اند (در این مورد اغلب به هشدارهای عمومی اکتفا میکنند). و در نهایت دیدگاه سوم مربوط به حکومت‌هایی است که ارز دیجیتال را به عنوان یک دارایی و یا یک پول رایج مورد پذیرش قرار داده‌اند و برای استفاده عموم مردم قوانین را تنظیم میکنند. از دید شرع، در دو رویکرد اخیر، معامله با ارزهای دیجیتال بلا اشکال است. با این حال، حفاظت از مال یکی از اهداف اصلی شریعت است. بنابراین، کاربران موظف به مراقب بودن هستند (فرجی، ۱۳۸۹: ۹۱۲). ارزهای دیجیتال در معرض نوسانات شدید قرار دارند و احتمالا این وضعیت تا سالها به همین صورت باقی بماند. بنابراین، هرگونه سرمایه‌گذاری در این دارایی‌ها ریسک بالایی خواهد داشت. بعلاوه در نظر گرفتن یک پول یا ارز به عنوان کالا و سرمایه‌گذاری در آن، با چشم اندازهای پولی در تضاد است. روی دیگر سکه، گسترش و بهره‌مندی از ارزهای دیجیتال به عنوان روش پرداخت است که مزایایی قابل توجهی دارد. از نظر ارزش، این ارزها مانند اسکناس دارای اعتبار است و اگرچه در اعتبار و ارزش آن نیز اختلافاتی وجود دارد. به هر صورت طبق اسناد اسلامی کسی که میخواهد وارد انجام معامله با ارز دیجیتال شود باید از میزان ریسک آن مطلع باشد، یعنی وی باید از پتانسیل های ارز دیجیتال مزایا و معایب آن آگاه بوده تا ناشناخته، نامشخص به این ارزها روی نیاورد. اما باید پذیرفت که تا به حال ارزهای دیجیتال من جمله بیتکوین بویژه پس از نوسانات شدید سالهای ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ ریسک بیش از حدی داشته و اینکه آیا اطلاع از چنین ریسکی که ریشه در دلایل عقلانی داشته میتواند منجر به ضرر شود و یا خیر همچنان جای بحث دارد. باید توجه داشت که نگاه فقه پویا همیشه استفاده از تکنولوژی به شکل صحیح و در جهت پیشرفت جوامع بوده است. از دید موضوع شناختی اگر این ارزها مال نباشند، آنگاه معاملات انجام شده با آن از نظر شرعی باطل است، چون آنچه میتواند مبادله شود، شرعا مال است و وقتی مالی در میان نباشد، نمیتوان آن را خرید و فروش کرد.

دادگاه صالح و تعیین قانون حاکم یکی از چالشهای حقوقی مربوط است؛ چراکه هیچ مرجعی، صلاحیت انحصاری حل و فصل اختلافات مربوط به رمزارزها را ندارد. به عنوان مثال، در یک تراکنش بانکی متعارف، اگر بانک مقصر باشد، میتوان علیه بانک طرح دعوا کرد. یا اگر طرف ادعا کند که پول به طور متقلبانه از حسابش خارج شده است، مؤسسه مالی و در مرحله بعد مراجع ذیصلاح میتواند این موضوع تحت رسیدگی قرار دهند. اما اگر چنین وضعیتی در یک پلتفرم بلاکچین رخ دهد، هیچ ساز و کاری برای حل و فصل اختلافات وجود ندارد. و قربانیان احتمالاً هیچ راهکار قانونی برای جبران زیان نخواهند داشت. از طرف دیگر، ایده و زیربنای اصلی رمزارزها این میباشد که اولاً گره‌های رمز ارزها میتوانند در هر نقطه از جهان قرار گیرند و ثانیاً، حتی اگر بر فرض دادگاه صالح و قانون حاکم مشخص باشد، کماکان مشکل باقی است چراکه واحد پول عادی توسط دولت یا بانک مرکزی کنترل و اداره میشود، نهاد حاکم یک نهاد عمومی و پاسخگو است. در مقابل رمزارزها توسط نهادهای غیردولتی، توسعه دهندگان ناشناس در قالب اعتماد، یا از طریق هر وضعیت ناشناخته دیگر اداره میشوند و ممکن است دادگاه نتواند چنین نهادی را شخص حقوقی تلقی نماید و افرادی را که در پشت صحنه هستند شناسایی کند؛ لذا در صورت بروز هرگونه اختلاف، کشف شخصی که شخصیت حقوقی جداگانه‌ای داشته باشد، مشکل و متفنی خواهد بود؛ چرا که اساساً شرکت یا شخص و یا اشخاصی موجود نیستند که به استناد مقررات حقوقی ملزم به پاسخگویی باشند. ثالثاً، تنظیم مقررات ملی و اجرای قوانین در میان کاربران، به دلیل گستردگی و وسعت فرامرزی بودن این فناوری، کاری بس دشوار است.

۲) چرایی لزوم قانونگذاری

۲-۱) مالکیت فکری

محبوبیت رمزارزها و استفاده از آنها در تجارت مبتنی بر مالکیت فکری، دغدغه‌هایی نیز ایجاد کرده است؛ نگرانی مربوط به تجاوز به حق مولف و اختراع، نگرانی از عدم توانایی کنترل و ردیابی ساخت و توزیع مالکیت‌های فکری ثبت شده یا ثبت نشده و نگرانی از تشکیل و اجرای قراردادهای مالکیت‌های فکری، مجوزها یا شبکه‌های توزیع انحصاری از طریق قراردادهای هوشمند از آن جمله اند.

علاوه بر این، تعداد درخواستهای ثبت مصادیق مالکیت‌های فکری رمزارزها در سراسر جهان در حال افزایش است. در همین خصوص چالشهای دیگری نیز مطرح است: اولاً، رمز ارز یک موضوع جهانی است. این امر بدان معناست که دارنده مالکیت فکری باید درخواستهای خود را در حوزه‌های قضایی متعدد ثبت کند؛ لذا تحصیل حقوق مالکیت فکری و اجرای آنها بسیار پرهزینه خواهد بود. ثانیاً، بسیاری از پروژه‌های رمزنگاری نتیجه تلاشهای مشترک اشخاص است؛ بدون اینکه در خصوص این پروژه‌ها، شرکتی را رسماً ایجاد و ثبت کرده باشند. همین امر سؤالی را در مورد اینکه چه کسی مالک فناوری است، به وجود می‌آورد که ممکن است منجر به مشکلات حقوقی گردد. ثالثاً، تهدید دائمی اینترنت در ارتباط با امنیت داده‌ها وجود دارد. با توجه به اینکه کل مفهوم ارز دیجیتال در بستر اینترنت است، احتمال هک شدن داراییهای فکری افراد بالاست. از سوی دیگر، حق ثبت اختراع و علائم تجاری سرزمینی هستند و این بحث مطرح میگردد که ثبت اختراع و علائم تجاری در این شبکه به چه نحوی خواهد بود و اختلافات ناشی از آن در کدام کشور رسیدگی خواهد شد. در مورد علامت تجاری رمزارزها این بحث مطرح گردیده که چنانچه این علامت، اصطلاح رایج باشد، قابل ثبت نیست. شاید واضح ترین مثال، اختلاف اخیر در مورد نام ارز دوج کوین (dogecoin) باشد. بنیاد اصلی "Dogecoin" هرگز نام خود را با ثبت علامت تجاری ایمن نکرد و تعداد بیشماری ارزهای مجازی دیگر با همین

نام ظاهر شدند. اکنون در حالی که بنیاد "Dogecoin" تلاش میکند تا حقوق خود را در مورد این نام اعمال کند، در انجام اینکار با مشکل مواجه شده است.

۲-۲) فرار مالیاتی

بزرگترین ایراد رمزارزها مشخص نبودن هویت طرفین معامله است. بنابراین، میتوان از این فرصت استفاده کرد و بسیاری از فعالیتهای غیرقانونی از جمله فرار مالیاتی را محقق ساخت. مواردی وجود دارد که نشان میدهد تعدادی از پزشکان برای فرار از مالیات، درآمد خود را در قالب رمزارزها پنهان میکرده اند. کافی است شخص صرفاً با ذخیره یک کلید خصوصی، به صورت آنلاین و ناشناس، به راحتی سرمایه خود را پنهان کند و مقادیر زیادی ارز را بدون بازرسی مرزی به کشور وارد یا خارج کند. در فقدان مقررات قانونی و جلوگیری از فرار مالیاتی، در بعضی از کشورها مانند ایالات متحده، رمزارزها به عنوان داراییهای سرمایه ای مشمول مالیات طبقه بندی میشوند. در ۲۵ مارس سال ۲۰۱۴ اداره خدمات درآمد داخلی ایالات متحده دستورالعملی صادر کرد که بیت کوین نه به عنوان ارز، بلکه بمتابه دارایی در نظر گرفته شود. نرخ مالیات بر درآمد یا دارایی حاصل از رمزارزها، به خودی خود به آنها مشروعیت قانونی نمیدهد. در هر صورت مالیات دهندگان ایالات متحده موظف اند تراکنش های مربوط به ارزهای دیجیتال را به دلار آمریکا در اظهارنامه مالیاتی سالانه خود گزارش دهند. این الزام به این معنی است که مالیات دهندگان باید معادل ارزش دلاری رمزارزهای خود را در تاریخ معامله معین کنند. البته گزارش صحیح ارزش دلاری رمزارزها به دولت برای مالیات دهندگان بسیار سخت است؛ زیرا آنها باید قیمتی را که ارزهای رمزنگاری شده خود را خریده و فروخته اند، ثبت کنند. اما وقتی نرخ رمزارزها به شدت در حال نوسان است، چگونه میتوان مالیات را با نرخ صحیح پرداخت کرد. اتحادیه اروپا بیان کرده است که مالیات بر ارزش افزوده برای کالاها و خدمات در خصوص تبدیل بیت کوین به ارز سنتی قابل اعمال نیست. دیوان دادگستری اتحادیه اروپا نیز در اکتبر ۲۰۱۵ چنین رأی داده است: "تبادل ارزهای سنتی برای واحدهای ارز مجازی بیت کوین از مالیات بر ارزش افزوده معاف است".

۲-۳) جرایم ارتكابی

این یک باور رایج است که رمزارزها راه جدیدی را برای ارتكاب جرایم مختلف از جمله تروریسم، فرار مالیاتی، پولشویی، قاچاق، خرید و فروش مواد مخدر، اسلحه، تراکنش های غیرقانونی و .. به مجرمین ارائه کرده است. از آنجایی که ارزهای دیجیتال را میتوان در اینترنت بدون استفاده از حساب بانکی خرج کرد، لذا هیچ ذخیره سازی متمرکزی برای وجوه وجود ندارد. بنابراین، حسابی موجود نیست تا مجریان قانون بتوانند آن را مسدود کنند. در سال ۲۰۱۹، شرکت Chainalysis تخمین زد که نهادهای مجرمانه ۲،۸ میلیارد دلار مبادلات بیت کوین انجام داده اند که این رقم در سال ۲۰۱۸ حدود یک میلیارد دلار بود. انجمن مالی اینترنتی چین هشدار داده است که ارزهای دیجیتال ابزاری برای معاملات قمار هستند و در عین حال به عنوان روشی برای پولشویی و جمع آوری غیرقانونی سرمایه نیز عمل میکنند.

۲-۴) چالشهای اقتصادی

ارزش مادی رمز ارزها بسیار در نوسان است و می تواند به طور ناگهانی تغییراتی بزرگ داشته باشد. بنابراین، ابزار مطلوبی برای حفظ ارزش دارایی یا حتی ابزار مناسبی برای مبادله نخواهد بود. بررسی این بازار پر نوسان در سالهای اخیر نمایانگر این نوسانات شدید بوده و گاهاً مشاهده میشود تا ۹۰٪ اصلاح قیمت و افت ارزش یا برعکس افزایش را در یک سیکل کوتاه تجربه کرده و حتی در برخی موارد نیز کاملاً از بازار حذف شده اند. علیرغم افزایش سطح علاقه و اقبال عمومی به رمزارزها، کماکان تردیدهای جدی در مورد اینکه آیا میتوانند جایگزین مناسبی برای روشهای پرداخت سنتی یا پولهای ملی شوند وجود دارد. لذا سرمایه

گذاری در رمزارزها در مقایسه با محصولات مالی سنتی مانند سهام، اوراق قرضه و صندوق های سرمایه گذاری، مشمول ریسک بالاتر و حمایت نظارتی بسیار کمتری هستند.

۳) نظارت بر فناوری های نوین و ارز دیجیتال در جهان

همزمان با توسعه بانکداری باز و رشد فین تکها^۱ اهمیت نظارت بر این صنعت بیشتر هم شده است. پیش از این نظارت بر بانکها از سوی بانکهای مرکزی انجام میشد و کمتر جنبه تکنولوژیک داشت. اما با ظهور فین تکها و توسعه پلتفرم های بانکداری باز اکنون از بانکهای مرکزی انتظار می رود وظیفه تنظیم گری فین تک را بر عهده گیرند. قانونگذاران فرانسه و آلمان واحدی تخصصی برای وضع قوانین در این حوزه با عنوان "FINTECH" ایجاد کرده اند. البته در برخی کشورها این نهاد مستقل از بانک مرکزی است اما غالباً چنین نیست. بخصوص بحث حملات سایبری در صنعت بانکی اهمیت تنظیم گری فین تک را بیشتر کرده است. در عین حال تنظیم گری نباید به گونه ای باشد که راه را بر تکنولوژی و نوآوری ببندد. طبق آمارهای موجود در سالهای اخیر، حملات سایبری به صنعت مالی سه برابر بیشتر از صنایع دیگر بوده است. از اینرو امنیت سیستمهای بانکی یکی از موارد ضروری است. بخصوص با ارائه API باز و ورود اشخاص ثالث به فرآیندهای بانکی اهمیت این موضوع بیشتر شده است. طی دهه گذشته حدود ۱۱۲ میلیارد دلار از سوی سارقان در صنعت بانکی به سرقت رفته است. به همین منظور تنظیم گران حوزه فین تک در کشورهایی نظیر سنگاپور، انگلیس و هلند در حال استفاده از رویکرد سندباکس^۲ هستند. سوئیس نیز سیستم نظارتی مشابهی برای نوآوری های مالی ایجاد کرده است. اقداماتی مشابه از طرف سایر کشورهای عضو اتحادیه هم مسلماً صورت خواهد گرفت. ناظران بر بخش مالی هم، با توجه به افزایش تعاملات نظارتی، رویکردهای مناسبی را برای بررسی و تصمیم گیری در مورد نوآوری های جدید مالی اتخاذ کرده اند بنحوی که نه سختگیرانه از ایجاد نوآوری در این بخش ممانعت شود و نه ریسک حاصل از بعضی از آنها باعث ایجاد مشکل و ایجاد هزینه گزاف شود. اتحادیه کسب وکارهای کوچک در اتحادیه اروپا هم از نزدیک و به طور مستمر تکنولوژیهای جدید و ریسک های مرتبط با آن را در بازارهای مالی بررسی میکند. اما به نظر میرسد این نقطه ای است که بین ناظران و شرکتهای مالی، نوعی هم نظری وجود دارد. ناظران همانند شرکتهای علاقه دارند فناوری های جدید تا حد ممکن و به صورت امن و قابل اتکا استفاده شوند. اتحادیه اروپا در چندین سال گذشته چندین چارچوب حقوقی بر جنبه های مختلف پرداخت ها، چشم اندازها و به ویژه در مورد خدمات پرداخت و پول الکترونیکی اتخاذ کرده است.

بررسی کشورهای پیشرو در این زمینه از جمله چین، امریکا، آلمان و نشان می دهد ارز دیجیتال در این کشورها در سطح اجرایی و با تنظیم مقررات از سوی قوه مجریه تقریباً حل و فصل شده است. کنگره کشور امریکا پس از بررسی ارزهای دیجیتال از جمله بیت کوین به این نتیجه رسید که نیاز به تدوین قوانین جدید نیست و قوه مجریه این کشور باید از طریق مقررات گذاری در چارچوب قوانین قبلی، پدیده ارز دیجیتال را مدیریت نماید. در آلمان نیز مجلس بر کار قوه مجریه نظارت میکند. قوه مجریه کشور امریکا بر تبادل گران ارز دیجیتال قوانین مربوط به مبادله کنندگان پول را جاری میداند. اخیراً نیز کره جنوبی مقرراتی برای جلوگیری از مبادلات ناشناس رمز ارزها تنظیم کرد. این درحالیست که چین راه ممنوعیت کامل ارزهای دیجیتال را در پیش گرفت. ژاپن که رویکرد مثبتی از خود نشان داده است، صرافیها را ملزم به دریافت مجوز کرده و نظارت بر آنها را نیز افزایش داده است.

^۱ فین تک یا فناوری مالی به معنای کاربرد نوآورانه فناوری در ارائه خدمات مالی است.

^۲ سندباکس به معنای ایجاد یک فضای کسب وکار کنترل شده و موقت و اختصاصی برای یک فین تک است.

البته، ناگفته نماند که تلاش برای تنظیم مقررات در این قسم از دارایی که غیرمتمرکز و پرنوسان است و بدون دخالت اشخاص ثالث فعالیت میکند، یک حرکت جدید و قبلا هم وجود داشته است.

۴) مفهوم شناسی مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی دولت به معنای مسئولیت ناشی از فعالیتها و اعمال دولت و موسسات عمومی میباشد، اعم از اینکه مسئولیت مبتنی بر تقصیر یا بدون تقصیر و خواه در اثر نواقص سیستم اداری و یا خطای عوامل انسانی باشد. لذا میتوان گفت مسئولیت دولت ممکن است ناشی از عدم انجام وظایف در قبال مردم، مطلوب نبودن انجام وظایف و یا تاخیر در انجام وظایف و تعهدات دولت در برابر مردم باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۱۲۱؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱، ۳۲۵). سایر مبانی مسئولیت مدنی در فقه اسلامی در جهت اثبات مسئولیت مدنی دولت، به مطالب و روایات بسیاری که در باب خطای قاضی، خطای والی در اجرای کیفر و مسئولیت امام در برابر امت وجود دارد، میتوان استناد نمود، علی الخصوص که گاهی اوقات جبران خسارت زیان دیده بر عهده بیت المال قرار داده گرفته که مصداق بارز مسئولیت مدنی دولت اسلامی است (مبین، امیرحسینی، ۱۳۹۶).

۴-۱) مسئولیت مدنی در فقه

الف) قاعده اتلاف. یکی از قواعد مشهور فقه که در باب مسئولیت مدنی میتوان از آن بهره برد، قاعده اتلاف است. بر اساس قاعده اتلاف هرگونه تلف نسبت به مال دیگران، موجب ضمان خواهد بود. قاعدتا دولت در قبال زیانهای ناشی از اقدامات خود مسئول است و به جبران خسارات وارده بر شهروندان ملزم میباشد. لذا اگر اقداماتی مانند پیشگیری را به درستی انجام ندهد و این امر سبب ایراد خسارت گردد، مسئول جبران خسارت است.

ب) قاعده "من له الغنم فعليه الغرم". این قاعده، میتواند غیرمستقیم به عنوان یکی از مبانی مسئولیت دولت مورد استفاده قرار گیرد. از دلالت این قاعده میتوان برداشت نمود همان گونه که دولت از مردم مالیات اخذ میکند و تمام درآمدهای کشور در اختیار دولت میباشد و حتی در مواردی مثل ترکه بدون وارث دولت دارای حق میباشد، در مقابل با در دست داشتن ثروت در برابر نیازهای مردم متعهد و مسئول خواهد بود.

ج) قاعده "الخراج بالضمن". طبق این قاعده هر کس ضامن و عهده دار چیزی میشود که منافع و سود آن برای او خواهد بود. طبق دیدگاه امام خمینی (ره) و سید محمد موسوی بجنوردی این قاعده از احکام حکومتی و سلطانیه است و میتواند جزء مبانی اختصاصی مسئولیت مدنی دولت باشد. بدین معنا خراج و مالیاتی که دولت از مردم به صورتهای مختلف مثل مالیات بر ارزش افزوده، خمس، زکات و... میگیرد، در مقابل آن تعهداتی در جهت حقوق عامه دارد، (موسوی بجنوردی و قزیریان زاده مهابادی، ۱۳۹۷).

۴-۲) حوزه تقنین

اعمال تقنینی، مرکز فرمانروایی و تصمیم گیری حاکمیت محسوب میشود، اما هنگامی که قوانین خطاآمیز و زیانبار، موازنه بین زیاندیده و واضع قوانین را بر هم زند، اصل پاسخگویی مدنی حکمفرما میگردد و نمیتوان زیان را جبران نشده باقی گذاشت. البته گسترش مسئولیت مدنی به نهادهای واضع قوانین و مقررات میتواند پیامدهای نامناسبی هم داشته باشد. بحث مسئولیت دولت از لحاظ وضع قانون، پیچیده و همچنان محل تردید است؛ زیرا قانون مظهر اراده اکثریت ملت است و خطاکار بودن قانونگذار امری معقول نبوده، موجب آشفتگی امور میشود. در صورت وجود مفروضات و اقتضائات مشروعیت دموکراتیک در یک نظام سیاسی، نیاز چندانی به طرح موضوع مسئولیت مدنی در اعمال تقنینی نیست. البته از طرف دیگر، اگر قانونی عام نبوده یا تبعیض آمیز و یا مغایر منافع عمومی باشد، عدالت و انصاف اقتضا میکند بر اساس اصل برابری افراد در مقابل هزینه های عمومی و قاعده خطر،

زیانهای ناشی از این قانون جبران شود (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۲، ۳۲). در هر جامعه ای، فرض اولیه بر صحت قانون و عدم زیانباری آن است و قانونگذار نیز حکیمی میباشد که بهترین تصمیمات را اتخاذ میکند؛ چه آنکه قانون تجلی اراده ملی است و نمایندگان در پارلمان با واگذاری اختیار از سوی مردم آن را وضع کرده اند. نهاد دادرسی اساسی که قرار بود بر قوانین بعنوان اراده عمومی نظارت کند، در قرن بیستم با استناد به همین دلیل مورد انتقاد قرار میگرفت. اما باید توجه داشت که خلاف چنین فرضی نیز قابل اثبات است و خطا کردن قانونگذاران نه تنها استبعاد ندارد، بلکه تورم قانونی موجود در نظام حقوقی ایران، تغییر مداوم قوانین و متروک ماندن برخی از آنها نشان دهنده خطای قانونگذاران است. حتی چه بسا در مواردی بخشی از قانونگذاران دارای تعارض منافع یا وضعیت رقابت باشند که مناسب ترین راه نظارتی، طرح دعوی جبران خسارت از سوی شهروندان خواهد بود. اساساً هیچگونه تضمینی وجود ندارد که نمایندگان بر تعهد خود با انتخاب کنندگان باقی بمانند و در حدود وکالت خود از ملت عمل نموده تا همه قوانین مصوب در جهت تضمین حقه و آزادیهای بنیادین شهروندان بعنوان حاکم اصلی باشد. در نتیجه سلب حقوق افراد را باید ناقض قرارداد اجتماعی و جبران خسارت افراد را ضروری تلقی کرد. چالش دیگر این نوع مسئولیت مدنی، مصونیت نمایندگان پارلمان است. با توجه به آنکه مهمترین وظیفه نمایندگی، شرکت در مذاکرات و وضع قوانین است، نمایندگان در خصوص آراء و اظهار نظر در مقام ایفای وظایف نمایندگی، قابل مؤاخذه یا تعقیب مدنی و کیفری نیستند و حتی پس از دوره نمایندگی هم مسئولیتی نخواهند داشت. با اینحال نمیتوان مسئولیت نهاد قوه مقننه را به دلیل عملکرد جمعی نمایندگان در امر قانونگذاری نپذیرفت. ناگفته نماند که افراط در این امر نیز با اصل حاکمیت قانون سازگار نبوده و ممکن است باعث تزلزل قوانین شود.

بر اساس نظریه "تقصیر" که مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران مبتنی بر آن فرض میشود، مسئولیت اشخاص صرفاً در صورت ارتکاب تقصیر در انجام عمل زیانآور قابل طرح است و بار اثبات نیز برعهده زیاندریده میباشد تا عمد یا بی احتیاطی مقصر را اثبات کند؛ اما مشکل در دشواری اثبات تقصیر برای نهاد واضع قوانین یا مقررات از سوی عموم شهروندان است که به لحاظ فنی و مالی ناتوان از این امر هستند و در نتیجه، جبران خسارت عقیم میماند. ایراد اصلی مسئولیت مدنی در امور تقنینی را میبایست در تقصیرناپذیری جست وجو نمود. به دیگر سخن، طبق قاعده "من له الغنم فعليه الغرم" هر فعالیت ذاتاً خطرناک اگر به زیانی منجر شود، به طور خودکار مسئولیت دولت را در پی خواهد داشت. با مسئولیت مدنی مطلق دولت، حتی عمل قانونی زیانبار میتواند به ایجاد مسئولیت منجر گردد، پس صرف فقدان تقصیر یا قانونی بودن عمل، مانع مسئولیت نیست، بلکه حصول زیان مد نظر خواهد بود؛ لذا تقصیر مبنایی منحصر برای مسئولیت محسوب نمیشود و مسئولیت مدنی دولت مبتنی بر نظریه خطر دارای ترجیح است. از این رو، اثبات ارتباط خسارت وارده با عمل ارادی کفایت میکند (غمامی، ۱۳۷۶). میتوان از همین رویکرد، در خصوص مسئولیت مدنی نهادهای واضع قوانین و مقررات حمایت نمود و مهم تر اینکه، همواره تصویب یک قانون یا مقرر سبب ایجاد مسئولیت برای حکومت نمیشود؛ چه بسا ترک فعل، اهمال و تعلل مقام و مرجع عمومی در انجام وظایف تقنینی، خسارت بار و موجب وضعیت خطرناک برای شهروندان باشد و مسئولیت مدنی دولت را به همراه آورد. قدرت تقنینی نامحدود با شالوده نظم حقوقی ناسازگار و برای آزادیهای فردی خطرناک است. اگر افراد زیاندریده از تصمیم ناشی از اراده عمومی، حقی بر جبران خسارت نداشته باشند، دیگر دموکراسی به معنای حفظ حقوق اقلیت در کنار برتری آرای اکثریت نخواهد بود. بعلاوه در نظام حقوق اساسی ایران، با تعدد نهادهای وضع کننده قوانین و مقررات در قوای مقننه، مجریه و قضاییه مواجه هستیم و علاوه بر آن، نهادهای تنظیم گر و شوراهای عالی متعددی بتدریج پدید آمدند که اقدام به سیاستگذاری، اتخاذ تصمیمات و وضع مقررات زیانبار می نمایند. به این ترتیب، آشفتگی در وضع هنجارهای عام الشمول و نابسامانی در سلسله مراتب نظم حقوقی، مسئله ورود زیان به شهروندان و امکان جبران خسارات را به معضلی جدی تر تبدیل کرده است؛ زیان هایی که معمولاً بابت ممنوعیت یا محدودیت

فعالیت اشخاص معین، فعالیت خاص یا کالائی مخصوص قابل طرح است و این مسئولیت بیشتر زمانی کاربرد خواهد داشت که فعالیتی مجاز یکباره به وسیله قانونگذار ممنوع و موجب تحمیل خسارت به بنگاههای تولیدی خاص گردد (گرچی و همکاران، ۱۴۰۱).

در یک اقدام پیش‌دستانه شورای عالی فضای مجازی در مصوبه ای تحت عنوان "نظام نامه رمز ارز" سعی در تقلیل این مخاطرات و ساماندهی مبادلات رمز ارز داشته و نیروی انتظامی را مکلف کرده با هدف پایش و ارتقای امنیت سایبری و کشف جرم در این حوزه را با همکاری دستگاه‌های امنیتی و دادستانی کل کشور بروزرسانی کند و به کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور ارائه دهد و نیز شاخص‌های امنیت در حوزه رمز دارایی‌ها را به صورت دوره ای به کمیسیون عالی امنیت فضای مجازی کشور اعلام نماید. قوه قضائیه نیز موظف است شعب تخصصی برای رسیدگی به جرائم مرتبط با این حوزه اختصاص دهد و حقوق کاربران، جرائم و مجازات‌های مرتبط با حوزه رمز دارایی‌ها را در قالب لایحه‌ای قضایی تدوین و برای انجام مراحل تقنینی پیگیری نماید و بیمه مرکزی را موظف نموده است سازوکارهای جدید بیمه مخاطرات رمز دارایی‌ها یا پشتوانه آنها را با هدف مدیریت مخاطرات کاربران و ارائه دهندگان خدمات، تهیه و گزارش آن را به کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور ارائه نماید. ارائه دهندگان خدمات رمز دارایی اعم از صادر کنندگان عرضه کنندگان بازارهای معاملاتی و امثال آن نیز باید از خدمات بیمه و وثیقه‌گذاری بر اساس الزامات تنظیم‌گران پیش‌بینی شده در مصوبه، برای پوشش مخاطرات رمز دارایی یا پشتوانه آنها استفاده نمایند. از طرفی محدودسازی خدمات پایه کاربردی و زیر ساختی (نظیر احراز هویت، پرداخت و خدمات شبکه بانکی)، برای عموم ارائه دهندگان خدمت، منوط به اخذ تأییدیه از کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور خواهد بود (نظام‌نامه رمز ارز، ۱۴۰۳) در حقوق مسئولیت مدنی اتحادیه اروپا نیز مسئولیت دولت بابت اقدامات تقنینی پارلمان مطرح می‌شود؛ اگرچه پیش از این مسئولیت یادشده به رسمیت شناخته نشده بود (۲۰۱۵، ۶۸۹، koziol). با امضای معاهده ماستریخت، دولتهای اروپایی برتری معاهدات و قوانین اروپایی بر قوانین ملی را پذیرفتند و دیوان دادگستری اروپایی بعنوان دادگاه قانون اساسی اروپا تشکیل گردید.

۵) رویکرد مقرراتی کشورها در حوزه داراییهای رمزنگاری شده

مطالعه رویکرد کشورها بعنوان عمده بازیگران بین‌المللی در مقررات گذاری رمز داراییها، نشانگر کارکرد، تشابهات و اختلافات مقرراتی است. ماهیت جهانی داراییهای رمزی مستلزم رویکرد همگرایی مقرراتی است که در غیر این صورت از طرفی تصمیمات غیر همسوی کشورها میتواند هم موجب تعارض در منافع سایرین باشد و هم اثرات سوء و مضری بر بازار و فعالیتهای تکنولوژی محور داشته باشد و در نهایت مصرف کنندگان نهایی و اتباع دولتها با هر رویکردی را متضرر نماید. چین مهمترین کشوری است که به سمت ممنوعیت در زمینه داراییهای رمزی رفته است. اثر چین در دنیای کریپتو تا بدان حد بود که به واسطه وجود برق و زمین ارزان شبکه بیت کوین را متعلق به چین دانسته اند. سال ۲۰۱۳ در اولین قدم بانکها از نگهداری بیت کوین برای تقویت یوان منع شدند. اما محدودیتهای عمده از سال ۲۰۱۷ آغاز شد که در آن عرضه اولیه ارز ICO و فعالیت صرافیهای ارز دیجیتال در چین ممنوع شد. از سال ۲۰۲۱ استخراج بیت کوین رسماً در چین ممنوع شد و بانک خلق چین تمام فعالیتهای مربوط به ارزهای مجازی را به عنوان فعالیتهای مالی غیر قانونی شناسایی و اعلام کرد. پیش از ممنوعیت معاملات این دارایی‌ها مردم چین نقش غالبی در تعیین مسیر قیمتی داشته اند علیرغم تمام این ممنوعیتهای و محدودیتهای چین همچنان در این بازار نفوذ لازم را دارد و این ممنوعیت‌ها چندان موثر نبوده اند. در مقابل بسیاری از کشورها به دنبال تثبیت موقعیت خود در این بازار و ارائه ارز دیجیتال ملی و به دست آوردن جایگاه خود در این عرصه نوظهور هستند که موجب تغییراتی در آینده قانونگذاری این کشورها خواهد بود. هند تا به امروز روی خوشی به این نوع بازار نشان نداده و به دنبال مقررات سختگیرانه و محدود ساختن آن است (Bhala, Raj, 2015). بانک

مرکزی عراق مبادله این داراییها را ممنوع اعلام کرده است. دولت ویتنام استفاده از این نوع داراییها را به عنوان وسیله پرداخت، منع و جرایمی نیز برای آن وضع کرده است. در الجزایر نیز ممنوعیت گسترده ای در این حوزه وضع شده است. دارالفتای مصر این قبیل مبادلات را حرام اعلام نمود که البته جنبه آمره ندارد، لیکن تجارت این رمزارزها بدون مجوز بانک مرکزی ممنوع شد. در افریقای غربی، غنا داراییهای رمزی را غیر قانونی دانسته است (Herdegen, Matthias, 2016). بولیوی این نوع داراییها و صرافی های مختص آن را تماماً ممنوع کرده و در کلمبیا نیز هشدارهایی در خصوص استفاده از داراییهای رمزی داده است (Tapscott, Don & Alex, 2016). مقدونیه شمالی نیز تنها کشور اروپایی است که ممنوعیت های گسترده ای را در این خصوص اعلام میکند (Xiwei, 2019). هر چند موارد اشاره شده شامل تمام کشورها و ممنوعیتهای وارد بر داراییهای رمزنگاری شده نبود، با توجه به ماهیت این تکنولوژی که به راحتی از مرزهای ملی عبور میکند، سختگیری این کشورها آثار خود را بر دیگر کشورها، تابعین آنها و کلیت بازار خواهد داشت که بدین طریق نیاز به مقررات همسان جهانی را ملموس میکند. علاوه بر این، کشورهایی با مقررات سختگیرانه نه میتوانند به تنهایی از عهده مضرات و ایرادات آن بر آیند و نه اینکه اقتضائات تجارت جهانی میپذیرد که از مجموع کشورهایی که راه حل ممنوعیت را پیش نگرفته اند، جدا بمانند.

از جمله ی مهم ترین کشورها در این زمینه ایالات متحده امریکا است که با پذیرش بسیاری از شرکتهای کریپتویی در سرزمین خود به سمت قانونگذاری همه جانبه در سطح فدرال و ایالتی حرکت کرده است. ارز دیجیتال در این کشور به عنوان ارز رایج قانونی مورد پذیرش قرار نگرفته، اما ارگانهای دولتی و نظارتی بسیاری مانند شبکه مقابله با جرائم مالی (FinCen)، خزانه داری (IRS)، بورس و اوراق بهادار و ... به تنظیم گری ورود کرده اند. تکنولوژی همیشه بخشی از ماهیت ایالات متحده بوده، اما با گسترش این تکنولوژی و پیامدهای آن باید انتظار داشت که امریکا نگران جایگاه دلار در مبادلات بین المللی باشد. استرالیا برخورد ملایم تری با داراییهای رمزی دارد و دولت سیاست غیر مداخله گرانه در پیش گرفته. هرچند کریپتو به عنوان وجه رایج در آن پذیرفته نشده است. در اروپا چهره ای موافق با داراییهای رمزنگاری شده دیده میشود. دیوان دادگستری اروپا در سال ۲۰۱۵ ضمن شناسایی این داراییها بیان داشت که باید مالیات بر ارزش افزوده آن پرداخت گردد. به نظر دستیابی به وحدت حقوقی در سطح بین المللی از طریق اتحادیه بسیار راحتتر و کارآمدتر خواهد بود. در سوئیس و به ویژه کانتون زاگ تصویری بسیار مثبت در پذیرش این تکنولوژی دیده می شود و حتی به دنبال رهبری جهانی آن هستند. این کشور ارزهای دیجیتال را به عنوان مال و دارایی در نظر گرفته و فعالیت صرافی های رمزارزی در آن قانونی است. بریتانیا نیز علیرغم اینکه قوانین خاصی در خصوص ارزهای دیجیتال وجود ندارد، لیکن کریپتو را به عنوان دارایی و مال رمزنگاری شده پذیرفته است. در گروه دیگر کشورها باتکلیفی حقوقی و مقرراتی وجود دارد و نمیتوان به طور شفاف از مقرراتی در این خصوص یاد کرد. جمهوری اسلامی ایران را میتوان داخل در این گروه قرار داد. شورای عالی مبارزه با پولشویی در تاریخ نهم دی ماه ۱۳۹۶ به کارگیری ارزهای دیجیتال را به دلیل امکان پولشویی، ممنوع اعلام کرد. از طرف دیگر در سال ۱۳۹۷ بانک مرکزی سندی با عنوان الزامات و ضوابط فعالیت در حوزه رمزارزها منتشر کرد که در آن به مواردی مانند کیف پولهای دیجیتال، استخراج رمز ارز، صرافیهای رمزارزی، پرداخته شده بود. این سند بیان داشت که استفاده از رمزارزها صرفاً به عنوان ابزار پرداخت در داخل کشور ممنوع است؛ اما قابل خرید و فروش و تبادل هستند. این سند استخراج رمزارزهای جهانی را به عنوان یک صنعت در نظر گرفت. پس از مدتی بانک مرکزی طی اطلاعیه ای به برخی موارد در خصوص رمز ارزها اشاره کرد. از جمله اینکه انتشار رمز ارز با پشتوانه طلا و فلزات گرانبها و انواع ارز در انحصار بانک مرکزی است. یک ماه بعد هیأت وزیران طی تصویبنامه مورخ ششم مرداد ۱۳۹۸، استفاده از رمزارزها با مسئولیت متعاملین جز در مبادلات داخل کشور مجاز دانسته شد که میتوان با اخذ مجوز از وزارت صمت اقدام به استخراج آن نیز کرد. در تصویبنامه پنجم شهریور ۱۴۰۱ هیئت وزیران، یکی از منابع ارزی برای واردات خودرو رمزارزها بیان شده است. و در تصویب نامه هیئت وزیران با عنوان

"آیین نامه استخراج رمزداریی ها" طی نامه شماره ۱۵۱۴۵۵ مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۲ ابلاغ شد که نمونه دیگری از مقرردها در این زمینه است. در نهایت جدیدترین مصوبه در این خصوص نظامنامه رمز ارز مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۹ شورای عالی فضای مجازی در این خصوص است، هرچند این مصوبه سعی در تقلیل بلاتکلیفی حقوقی دارد، اما شامل تمام موارد نبوده و محتوای آن نمیتواند ابهامات قانونی و مقرراتی را رفع کند در ماده ۲ مصوبه مذکور سیاست کشور در مواجهه با رمز ارزها در دو بخش تقسیم شده است؛ نخست سیاست حمایتی در قبال توسعه، ترویج و فراگیر شدن قانونمند انواع رمز داریی های دارای پشتوانه و دارای شفافیت تراکنش (قابلیت رهگیری و احراز هویت) با تنظیم گری و مقررات گذاری مناسب، تسهیل گری کسب و کار ساده سازی مقررات و ضوابط و تدوین مشوق ها و حمایت های مالی و اقتصادی، و دوم سیاست کنترل یا مقابله فعال نسبت به رمز داریی های جهان روا با اتخاذ سیاست «تنظیم گری کنترلی» و «مدیریت مخاطرات» به منظور تسهیل تجارت بین المللی و به حداقل رساندن آسیب ها و مخاطرات آنها در حوزه های مختلف اقتصادی، مالی، پولشویی، جرایم پیشگیری و مقابله با فعالیت های کلاهبردانه، اغواگرانه و غیر شفاف عنوان شده است.

کمیته ای نیز تحت عنوان کمیته تخصصی رمز داریی ها پیش بینی شده که موظف است اجرای تکالیف محوله در این سند را پیگیری و عملکرد دستگاهها را در تطبیق با تکالیف محوله، سیاست ها، اهداف و مصوبات بالادستی را به صورت ماهانه گزارش کند. کمیته مذکور میبایست اقدامات تنظیم گران و دستگاه های متولی را از حیث انطباق با قوانین، مصوبات شورای عالی فضای مجازی و کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور، پیگیری و حسب مورد از طریق مرکز ملی فضای مجازی به دستگاه های نظارتی کشور منعکس نماید (نظامنامه رمز ارز، ۱۴۰۳). به هر حال علیرغم فعالیت گسترده این دارییها در داخل کشور و حتی بهره برداری از آن در تجارت خارجی، بلاتکلیفی حقوقی و قانونی هنوز هم وجود دارد. که در قانون گذاریهای آتی باید به آنها توجه نمود. در همین راستا رهنمودهای کمیته بازل^۱ را نیز میتوان مورد اشاره قرار داد که از آن جمله: توجه به پیامدهای استفاده بانکها از تکنولوژی های نوین توانمند، همکاری و تعامل ناظران بانکی در سطح بین الملل، اعتمادسازی و تنظیم قوانین و مقررات با قابلیت انطباق بالا بدون ایجاد محدودیت برای نوآوری در صنعت بانکداری، شناسایی ریسکهای کلیدی مرتبط با توسعه فین تکها مانند سودآوری یا ریسک عملیاتی و ریسک سایبری، انطباق مهارتهای نظارتی در حوزه های ذیربط همگام با فناوریهای جدید و مدلهای پیشرفته کسب و کار مدنظر قرار دادن پیامدهای ناشی از برونسپاری فعالیتها به اشخاص ثالث یا مشارکت با آنها، همکاری متقابل میان ناظران با دستگاهها و مراجع ذیربط، استفاده ناظران از ظرفیت فناوریهای نوین در نظارت. رهنمودهای این کمیته درخصوص نظارت بر فین تکها، بیانگر آنست که همگام با پیشرفت تکنولوژی و فناوری های نوین مالی، نیاز است تا از یک طرف سیستمهای نظارتی در راستای ارتقای کیفیت ارائه این خدمات نوآورانه از طریق وضع قوانین پویا هم در جهت ممانعت از ایجاد اختلال در حرکت رو به جلوی فناوری های نوین مالی از جمله ارزهای دیجیتال اقدام کنند و هم بستر مناسب را برای رشد و شکوفایی این فناوریهای نو در کشورمان مهیا کنند.

^۱ بازل کمیته نظارت عملیات بانکی است که در سال ۱۷۹۰ بوسیله رؤسای کل بانکهای مرکزی کشورهای بلژیک، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، لوکزامبورگ، هلند، اسپانیا، سوئد، سوئیس، انگلستان، و ایالت متحده آمریکا پایه گذاری شده رهنمودهایی را در خصوص فناوری های نوین مالی اعلام نموده است.

نتیجه گیری

ارز دیجیتال از محصولات عصر جدید بوده که در راستای بهره گیری و توسعه این فناوری ها ضروری است ضمن ارتقاء زیرساختهای موجود و ایجاد زیر ساخت های بروز فراخور احتیاجات جدید، نظارت های دقیقی بر این فناوری ها اعمال گردد. فرآیند اجرایی ارز دیجیتال نیز با سایر فناوری های نوین مالی متفاوت است، برای رسیدن به نقطه مطلوب باید اهداف نظارتی، زیرساخت های قانونی مورد نیاز، ابعاد و حوزه های نظارت را تعریف و توسط نهاد ناظر بصورت پیوسته کنترل و نظارت شود و در صورت بروز هر نقص یا نقضی از سوی ارائه دهندگان خدمات، نهاد ناظر مشکلات را اعلام و سرویس دهنده بایست نسبت به رفع آن اقدام نماید. در غیر اینصورت نهاد ناظر از سایر مکانیزم های تعریف شده استفاده در جهت مرتفع نمودن ایرادات اقدام می نماید. بعلاوه باید اطلاعات مناسب و دقیقی را به مردم و سرمایه گذاران اعلام و ریسک سرمایه گذاری را تا حدودی مدیریت و کنترل نمود. از آنجا که این حوزه مشخصاً در ارتباط با حوزه های عمومی است لذا تنظیم گری و قاعده مندسازی آن نیز بمنظور حفظ حقوق عامه از ضروریات است، در غیر اینصورت مسئولیت دولت، نارضایتی عمومی، هرج و مرج و سودا گری را در پی خواهد داشت. فلذا و بجهت اهمیت مسئله بایست بدو مجری و ناظر مربوطه از رهگذر قانون تعیین گردد که معمولاً در اکثریت کشورها بر عهده بانک مرکزی گذارده شده است (با اینحال الزامی در این باره وجود ندارد و میتوان نهادی مستقل از بانک مرکزی هم در نظر گرفت). همانگونه که قبلاً نیز اشاره کردیم آئین نامه و تصویب نامه در این زمینه کم نیست از "آیین نامه استخراج رمزارزها" تا سند "الزامات و ضوابط فعالیت در حوزه رمزارزها" و در نهایت جدیدترین مصوبه در این خصوص "نظامنامه رمز ارز" است اما نکته حائز اهمیت، تنظیم گری و ساماندهی از مسیر قانون و قانونگذاری است تا از این طریق هم از تعدد مقررات در این زمینه کاسته شود و هم نهاد مجری، ناظر و ضمانت های اجرایی مناسب برای به ثمر رسیدن آن تعیین و تصویب گردد و در نهایت نهادهای مذکور ضمن بررسی های لازم، با حضور کمیته های تخصصی، و در صورت لزوم بهره گیری از نظریات کارشناسان امر، روشهای اجرایی را اتخاذ و با روشهای مناسب اطلاع رسانی و سپس اجرا نمایند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. اسماعیلزاده، عباس و مرتضوی، عبدالحمید (۱۴۰۲). «مسئولیت مدنی دولت در حفظ سلامت شهروندان از منظر فقه شیعه، حقوق شهروندی و اسناد بین الملل»، فصلنامه پژوهشهای فقه و حقوق اسلامی، سال نوزده، شماره ۷۲.
۲. باباجانی محمد و رحمانی، امیر (۱۴۰۰). «تأثیر ارزشهای دیجیتال بر اقتصاد ایران»، فرصتها و چالشها، سال اول، شماره اول.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۱). «ترمینولوژی حقوق»، انتشارات گنج دانش، جلد سوم، تهران، چاپ پنجم.
۴. مظفری، روشن و میرزائی، مصطفی (۱۳۹۸). «بررسی وضعیت فقهی و حقوقی بیتکونین»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره بیست و دوم، شماره هشتاد و هفت.
۵. سبحانی، حسن و قائمی نیا، علی اصغر (۱۳۹۷). «تاملی در منشا ارزش بیتکونین از منظر اعتباریات علامه طباطبائی»، پژوهشنامه اقتصادی، دوره هجدهم، شماره هفتاد.
۶. سلطانی، محمد (۱۳۹۴). «ماهیت حقوقی پرداخت الکترونیک»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره شانزدهم، شماره یک، 1394.
۷. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۵). «حقوق اداری» تهران: سمت.
۸. عبدی، جابر و گیلک حکیم آبادی، محمد تقی (۱۳۹۶). «مقایسه ای از آسیب پذیری اقتصادی ایران با سایر کشورهای با درآمد متوسط»، منتخب فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال ۱۷، شماره ۶۶.
۹. غمامی، مجید (۱۳۷۶). «مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود»، تهران: دادگستر.
۱۰. غمامی، محمد مهدی و علیپور، محمدرضا (۱۴۰۱). «بررسی تطبیقی مواجهه با رمزارزها در نظامهای حقوقی ایران و آمریکا»، فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، شماره ۲۱.
۱۱. فرجی، یوسف (۱۳۸۹). «پول، ارز و بانکداری»، نشر شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۱۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). «دوره مقدماتی حقوق مدنی وقایع حقوقی - مسئولیت مدنی، نشر شرکت سهامی»، تهران، چاپ ششم.
۱۳. مبین، حجت، امیرحسینی، امین (۱۳۹۶). «واکاوی مبانی مسئولیت مدنی دولت ناشی از عرضه خونهای آلوده در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه»، فصلنامه پژوهشی خون، مرکز تحقیقات انتقال خون ایران، شماره ۴.
۱۴. محمودی، اصغر (۱۳۹۸). «تحلیل ارزشهای مجازی در پرتو فقه، حقوق و مطالعات تطبیقی»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۴۹.
۱۵. مسلمی، محمد حسین (۱۳۹۴). «نقش ارزشهای دیجیتالی در اقتصاد و معامات بازرگانی»، اولین همایش ملی مدیریت با تأکید بر حمایت از کالا و خدمات ایرانی، آباده: دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۶. مسلمی، محمدحسین (۱۳۹۷). «نقش ارزشهای دیجیتالی در اقتصاد و معامات بازرگانی»، اولین همایش ملی مدیریت با تأکید بر حمایت از کالا و خدمات ایرانی، آباده، دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۷. موسوی بجنوردی، سید محمد و قنبریانزاده مهابادی، فریبا (۱۳۹۷). «قاعده الخراج بالضامن» و مسئولیت مدنی دولت با توجه به آراء حضرت امام خمینی (ره)، «مجله الهیات، دوره ۱۱، شماره ۴۵.
۱۸. میرزاخانی، رضا و سعدی، حسین علی (۱۳۹۷). «بیتکونین و ماهیت مالی-فقهی پول مجازی»، دوره پانزدهم، شماره سی ام.
۱۹. نادری، مسعود و مهدوی، الناز (۱۳۹۴). «چالشهای اقتصاد ایران و ضرورت اقتصاد مقاومتی»، همایش ملی اقتصاد مقاومتی؛ چالشها، واقعیتهای و راهکارها. کرمانشاه، دانشگاه رازی.
۲۰. یآوری، اسدالله و گرچی، علی اکبر (۱۴۰۱). «در سودای مسئولیت پذیری قانونگذار: درنگی بر مسئولیت مدنی ناشی از اعمال تقنینی»، مطالعات حقوق تطبیقی، سال ۱۳، شماره ۲.

22. Chan, K & Milne, a (2019). The global legal entity identifier system: How can it deliver, Journal of Risk and Financial Management, 12(1), 39
23. Herdegen, Matthias, Principles of International Economic Law, Oxford University Press, 2016
24. Koziol, Helmut (2015). Basic Questions of Tort Law from a Comparative Perspective, Austria: Jan Sramek Verlag.
25. Rogojanu, A & Badea, L (2014). The issue of competing currencies, Case study-bitcoin. Theoretical and Applied Economics, 21(1), 103-114.
26. Tapscott, Don & Alex, Blockchain Revolution: How The Technology behind Bitcoin Is Changing Money, Business, and the World. First Ed, New York, Penguin, 2016
Xu, Xiwei & Ingo Weber, Mark Staples, Architecture for Blockchain Applications, First Ed, Nature Switzerland, Springer, 2019

